

**ایرانیان مصرف‌گرا نبودند**

خیابان‌ها شلوغ است و فروشگاه‌ها و دکان‌ها پر از مردمی که سراسیمه خرید می‌کنند.



خیابان‌ها شلوغ است و فروشگاه‌ها و دکان‌ها پر از مردمی که سراسیمه خرید می‌کنند. مناسبتش عید نوروز است! قیمت‌ها سر به فلک کشیده هر چند فروشنده‌ها می‌گویند فصل حراج است، به مناسبت سال نو، اما باورش سخت است! قیمت‌ها نشانی از حراج آخر سال ندارد. نیمه دوم اسفند است و روز به روز آمیر استرس و اضطراب بالاتر می‌رود. نکند ما از قافله این‌ها همه خرید عقب بمانیم! بار بیشتر وانتی‌ها، میلمان است و گاهی میان این همه ماشین در ترافیک ذله‌کننده، وانتی کوچک یا سه‌سره‌چرخه‌ای چشم را می‌برد به گل و گیاهانی که بار زده است و امید دارد مشتری برایشان پیدا کند. کاش این همه استرس و دل‌نگرانی‌ها را امروز به بهانه نوروز جایش را بدهد به تازه کردن دل و عهد و پیمان بستن برای خوب بودن، هم با خود هم با دیگران! کاش عید بیاید و حال همه ما خوب شود، کاش مفهوم عید و آغاز بهار فقط همین باشد؛ درخت و آب و آینه! میان دغدغه‌هایی که از پیرامون به ما می‌رسد با جلال‌الدین کزازی، کارشناس فرهنگ عامه هم‌صحبت شدیم تا با آن زبان فاخرش برایمان از حرمت آب و آتش و خاک و هوا نزد ایرانیان بگوید. شاید کمی این روزهای آخر اسفند آرام‌تر شود تا کمی صبر کنیم و دریابیم از امسال اگر عمری بود به سال آینده چه با خود خواهیم برد.

طبیعت از خواب بیدار شده و عید نزدیک است؛ اما دغدغه ما نابودی طبیعتی است که روز به روز کم‌کم‌تر می‌شود. پاسداشت طبیعت یکی از مرام‌های خوب ایرانیان بوده، اما چه شده حالا محیط زیست را آن گونه که باید و شاید دوست ندارند؟

در جشن‌های ایرانی، همه نمودها و نشانه‌های گیتی و طبیعت آن قدر ارزشمند بوده که جزو آیین‌های بارز شمرده می‌شده است. بسیاری از کسان می‌دانند در ایران باستان، خاک، آب، هوا، آتش و سپند به معنای مقدس شمرده می‌شدند و آلودن آنها گناه به شمار می‌آمده. این پرواهای بسیار استوار، نشانه‌ای است آشکار از این که ایرانی راستین و سرشتین هرگز تن به آن در نمی‌دهد که گیتی و بوم‌زیست را که از آن بهره می‌برد، آسیب بزند یا بیالاید یا بیهوده آن را به کار بگیرد برای خواسته‌های پست و سودهای اندک. از سوی دیگر درخت و گیاه که با آب و هوا پیوند تنگ دارند نزد ایرانیان بسیار گرامی بوده و می‌دانیم یکی از نخستین تلاش‌هایی که در جهان انجام گرفته است در کاشتن درخت و پدید آوردن باغ در ایران زمین بوده به همین دلیل باغ‌های ایرانی آوازه بلند و جهانی یافته است. هر ایرانی بر خود بایسته می‌دانسته در خانه خویش به هر اندازه خرد و کم‌دامنه باغچه‌ای پدید بیاورد.

در فکر و اندیشه ما ایرانی‌ها چه اتفاقی رخ داد که به این‌همه زیبایی و طبیعت بی‌توجه شده‌ایم؟

زیرا ایرانیان به سبب انگیزه‌های مختلف، اندک اندک از خوی راستین خویش دور شدند و گرنه ایرانی راستین طبیعت را ارج می‌نهد. اگر بخواهیم دوباره خوی راستین ایرانی را به او برگردانیم باید به آموزش و پرورش توجه کنیم و آموزه‌های کهن را به آنها یادآوری کنیم. باید بذر پاسداشت طبیعت را در ذهن نونهالان ایرانی مانند درختی بکاریم تا شاخ و برگ پیدا کند. شاخ و برگ، کنش درست آنها در بزرگسالی خواهد بود که از آب و خاک محافظت کرده و از آسیب زدن به طبیعت پروا کنند. برای پاسداشت طبیعت هیچ چاره‌ای جز آموزش نیست!

در آستانه عید نوروز هستیم و سال‌هاست مردم فکر می‌کنند عید یعنی خریدهای سرسام‌آور؛ تغییر لوازم خانه و... اما آنچه باید تغییر کند همچنان که در دعای تحویل سال ذکر شده؛ دل ماست. چه باید کنیم که در کنار تازه کردن وسایل زندگی، روح و قلبمان هم نو شود.

با بازگشت به فرهنگ ایرانی و منش بسیار گرامی و مهربانانه و پاکیزه ایرانی. جشن‌های ایرانی، جشن‌هایی نیست که ما بخواهیم به یاری آنها به خودنمایی بپردازیم و بر دیگران برتری بجویم و بکشیم و خواسته و دارایی خود را به رخ آنان بکشیم. بیهوده هزینه کنیم. بیهوده هزینه کردن با آنچه گفته شد یکسره ناساز

است؛ زیرا اگر شما نیاز نداشته باشید و خرید کنید، مایه‌زنجرها و توان‌زنجرها؛ گیتی را به باد خواهید داد. آنچه مصرف‌زنجری‌گرایی نامیده می‌شود به هیچ روی با منش ایرانی سازگار نیست. در کشورهای دیگر در جهان مصرف‌زنجری‌گراست که به هر انگیزه و بهانه‌زنجری‌ای می‌کوشند مردم خویش را به خرید بیشتر برانگیزند؛ خرید چیزهایی که نیازی به آنها ندارند؛ زیرا در پی سود و سودا هستند و می‌خواهند بازارهایشان پر از خریدار باشد و کالاهایشان را به هر شیوه بفروشند. ما ایرانیان مردمانی هستیم که همیشه در رفتار و کردار پایه را بر ترازمندی یعنی تعادل و میانه‌زنجری‌روی می‌نهادیم و هنوز هم می‌زنجری‌نهمیم. از آنچه مرزشکن و هنجارپیش است به بیهودگی به زیان به تاوان می‌انجامد، پرهیز می‌کنیم. اگر جشن و آیین نوروز بهانه‌زنجری‌ای شود برای این نابهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها، جشن و آیین ایرانی نخواهد بود. چگونه می‌توان پاس نوروز را به شایستگی بدهیم، همچنان‌زنجری‌که که گفتیم با بازگشتن به خویشتن خجسته و فرهنگ گران‌زنجری‌سنگ و منش والای ایرانی می‌توان جشن نوروز را آن‌چنان‌زنجری‌که بایسته است برگزار کرد.

در آستانه سال نو چه پیشنهادهایی دارید که حالمان خوب‌تر شود؟

به رفتاری دست بزنیم که شایسته نام بلند ایرانی است. روزهای نوروز را در بازارها گذراندن، رفتاری شایسته ما ایرانی‌ها نیست. از این روزها باید بهره بهینه برد باید پیوندهای خویشاوندی و دوستانه و هر پیوندی که ما را بیش با دیگران نزدیکی و آشنایی می‌دهد، استوار کرد. باید از زیبایی‌های جهان بهره برد باید تشنگی هنری را فرونشاند. باید رفتاری فرهنگی و انسانی داشت. این کاری است که نیاکان ما می‌کردند مگر نه این است که نیاکان ما سیزدهمین روز از فروردین‌ماه را به آغوش طبیعت می‌زنجری‌رفته‌اند؛ معنای این رفتار گرامی‌داشت گیتی و کوشش برای پیوند گرفتن برای زیبایی‌ها و فرآورده‌های آن است. چند دقیقه در بوستان، جنگل، مرغزار و کنار آب روان گذراندن و از زیبایی‌های گوناگون جهان هستی بهره بردن و در اندیشه فرو رفتن و خود را کاویدن؛ رفتاری است که بر پایه آن جشن و آیین نوروز و دیگر جشن‌های ایرانی پدید آمده است. من شایسته می‌دانم که سال 1397 نوروز باستانی پیروز و بهار دلنشین، دل‌افروز را به همه ایرانی‌ها فرخ‌زنجری‌باد بگویم و آرزو ببرم که ما در سال پیش روی بیش از سالیان دیگر بتوانیم خود را بشناسیم و بدانیم که ایران چیست و ایرانی کیست؟ اگر ما به این دو پرسش بنیادین پاسخی بسنده بدهیم از رفتارهایی که نکوهید و ناشایست پرهیز خواهیم کرد.

طاهره آشیانی

روزنامه‌نگار

<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/3212190917848489093>